

پرچمدار رونق تولید از کجا شروع کرد؟

اسلام، ایران و تولید ملی



ماجرای اینجاست شروع می‌شود: «حب الوطن من الایمان» شعار دوست داشتنی دوره کودکی میرمصطفی عالی‌نسب؛ آن هنگام که نخستین کبریت ساخت ایران با نام کبریت توکلی در تبریز به بهره‌برداری می‌رسد و پدر میرمصطفی برای تبلیغ محصول ایرانی و مقابله با واردات کبریت از روسیه، ماکت‌هایی از قوطی کبریت ساخته و فرزندان خود را موظف کرده بود در مسیر رفت و آمد به مدرسه ضمن دست گرفتن آن حتماً از بازار عبور کرده و با تکرار جمله‌ای با این مضمون که «همشهری کبریت ایرانی بخور، کبریت روسی نخور»، برای کارخانه توکلی تبلیغ کنند؛ وقتی فقط ۶ یا ۷ سال بیشتر نداشته است. زندگی عالی‌نسب که سال‌ها بعد به عنوان یک نشان معروف شناخته می‌شود و تا سال‌ها میهمان خانه‌های ایرانی می‌شود، دارای ویژگی‌هایی خاص و کم‌نظیر است. ویژگی‌هایی که به تعبیر شاگردان و نزدیکانش می‌توان آنها را در عشق به ۳ چیز خلاصه کرد: اسلام، ایران و تولید ملی! میرمصطفی عالی‌نسب چهره‌ای بی‌مانند در تاریخ صنعت ایران است که به اندازه فعالیت‌هایش شناخته نشده است. تاریخ چه فراموشکار است در حق خوبان که یکی از آنان بی‌تردید میرمصطفی عالی‌نسب است که به عنوان پرچمدار تولید ملی شناخته می‌شود. در این پرونده نگاهی به تلاش‌های این چهره ماندگار تاریخ صنعت ایران انداخته‌ایم.

مصطفی، سال ۱۲۹۸ از خانواده‌ای با اصالت تبریزی در شهر کاظمین به دنیا آمد. پدرش کربلایی سیدحسین و مادرش عالیه خانم ۵ دختر و ۲ پسر دیگر به نام‌های مرتضی و مجتبی داشتند. ریشه پرقدرد مذهب در خانواده عالی‌نسب، او را غیر از مسائل روز اقتصادی به سمت مطالعات اسلامی کشاند. ارتباط مستمر با عالمان دین در سال‌های جوانی عالی‌نسب جدی‌تر شد. او جلسات منظمی با برخی مراجع تقلید همچون آیت‌الله‌العظمی بروجردی و برخی از دیگر مراجع بزرگ آن دوران داشت و حتی جایگاه مشاور را برای

عالی‌نسب از شاگردی مغازه در تبریز کار را آغاز کرده بود، آن هم با تشویق مادر و از همان سال‌های نوجوانی. سال ۱۳۲۰ پس از گذراندن چند دوره آموزشی و کار در شرکت «اتفاق»، در پی اشتغال ایران توسط متفقین به تبریز بازگشت و کسب و کار مستقلی به راه انداخت. پس از تسلط حزب دموکرات در شهریور ۱۳۲۲ بر تبریز، میرمصطفی عالی‌نسب بار دیگر به تهران آمد و تا سال ۱۳۲۸ به تجارت «ظروف چینی و بلور» پرداخت. او در تهران پیشرفت کرد. حجره بزرگی که او در تیمچه حاج‌الدوله بازار تهران داشت یکی از پرفروش و آمدترین حجره‌ها بود و قدرت فعالیت اقتصادی او شهرت ویژه‌ای پیدا کرده بود. ۳۰ سالش تمام نشده بود که صاحب تجربه‌های متنوعی در فعالیت‌های



عالی‌نسب از صنعتگرانی بود که می‌توانست محصولات نفت‌سوز تولید کند. چراغ‌های نفتی که آن زمان توسط کمپانی والور انگلستان به ایران می‌آمد، با تحریم این کشور دچار مشکل شده بود. شرایط نیز سخت بود. عالی‌نسب در توضیح این شرایط گفته است: «وقتی به مهم‌ترین بنگاه‌های تولیدی کشور مراجعه کردیم، مشخص شد پیشرفته‌ترین دستگاه‌های پرس موجود در کشور دستگاه‌هایی بود که قادر به تولید محصولاتی در حد قوطی واکس شفق بود و این به معنای آن بود که نه سطح دانش فنی موجود در ایران و نه سطح ماشین‌آلات موجود در کشورمان امکان تولید داخلی سماور و اجاق نفتی را فراهم نمی‌کرد، ضمن آنکه

«بعد از کودتا به آینده ایران امیدوار نیستیم»؛ این پاسخ را به فضل‌الله زاهدی، نخست‌وزیر دولت کودتا داده بود، وقتی او سوال کرده بود چرا کارخانه را تعطیل کرده‌ای؟! عالی‌نسب آنطور که خود روایت می‌کند، به محض پیروزی کودتاچیان در سال ۳۲، فعالیت تولیدی صنایع عالی‌نسب را در اعتراض به کودتا و کودتاچیان متوقف می‌کند. او با این تصمیم مشروعیت کودتاچیان را به چالش کشید. پس از این اتفاق به ژنو رفت و مدتی تحصن کرد. فردی به او می‌گوید تحصن آنچنان فایده‌ای ندارد. باید بسترهای کودتا را از میان برداشت. اقدامات اجتماعی و فرهنگی در این دوران شدت بیشتری می‌گیرد. حمایت از مجموعه‌های غیردولتی یکی از این فعالیت‌هاست که موجبات تبلیغ این کتاب شریف را فراهم می‌آورد. روحیات ملی عالی‌نسب که در ماجرای خرید اوراق قرضه نیز در دوران تحریم انگلستان خود را نشان داده بود، این بار به کمک نهضت مقاومت ملی می‌آید. آیت‌الله طالقانی از او برای کمک به نهضت دعوت می‌کند. عالی‌نسب به روایت یکی از جلسات نهضت می‌گوید: «در آن جلسه مرحوم آقای طالقانی به نمایندگی از اعضای نهضت مقاومت سخن می‌گفت و خطاب به من فرمودند از شجاعت و غیرت شما در تعطیل کردن کارخانه در اعتراض به کودتا سپاسگزاریم اما بررسی‌های چند ماهه ما نشان می‌دهد دولت

همان‌طور که آمد، پیش از انقلاب کارخانه کارتن‌سازی مهین بر اثر سقوط یک فانتوم منهدم شد و پرداخت خسارت از طرف دولت منوط و مشروط به تقاضای شخص عالی‌نسب از محمدرضا پهلوی (شاه) شده بود اما عالی‌نسب از این کار امتناع ورزیده و کارخانه کارتن‌سازی متوقف مانده بود. با تغییر دولت در ۵ شهریور ۱۳۵۷، نخست‌وزیر وقت، شریف امامی، در چارچوب تلاش برای کنترل اوضاع انقلابی کشور، مدعی «برگرداندن

همان‌طور که آمد، پیش از انقلاب کارخانه کارتن‌سازی مهین بر اثر سقوط یک فانتوم منهدم شد و پرداخت خسارت از طرف دولت منوط و مشروط به تقاضای شخص عالی‌نسب از محمدرضا پهلوی (شاه) شده بود اما عالی‌نسب از این کار امتناع ورزیده و کارخانه کارتن‌سازی متوقف مانده بود. با تغییر دولت در ۵ شهریور ۱۳۵۷، نخست‌وزیر وقت، شریف امامی، در چارچوب تلاش برای کنترل اوضاع انقلابی کشور، مدعی «برگرداندن

استاد بسیج اقتصادی در بهار ۶۱ طرح توزیع کوپن را آغاز کرد و در کنار آن دفترچه بسیج هم جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد خانوارهای ایرانی یافت. مبدع این کار کسی نبود جز میرمصطفی عالی‌نسب. ۵ روز از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود که امام خمینی (ره) به توصیه آیت‌الله بهشتی در حکمی ۸ نفر را برای اداره اتاق بازرگانی مأمور کرد که نام

میرمصطفی عالی‌نسب نیز در میان آنها بود. کمی بعد عالی‌نسب به‌عنوان مشاور اقتصادی دولت موقت به کار گرفته شد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که او برعهده گرفت، مدیریت ایران خودرو بود. او نخستین مدیر ایران خودرو پس از انقلاب بود. میرمصطفی عالی‌نسب خود در خاطراتش می‌گوید: به محض شروع جنگ تحمیلی خدمت شهید بهشتی رسیدم و برای ایشان توضیح دادم چگونه در شرایط جنگی از یک‌سو عرضه کل اقتصاد به دلایل متعدد با شوک منفی روبرو می‌شود و از طرف دیگر قسمت تقاضای کل اقتصاد به طرز غیرمتعارفی متورم می‌شود. آنطور که عالی‌نسب نقل کرده، شهید بهشتی پس از شنیدن این سخنان بلافاصله با شهید رجایی که آن موقع نخست‌وزیر بود تماس می‌گیرد و جلسه‌ای طولانی در حضور شهید بهشتی و شهید رجایی در این زمینه برگزار می‌شود که نتیجه آن شکل‌گیری ستاد بسیج اقتصادی از همان نخستین روزهای آغاز جنگ بود.

پس از به حاشیه‌گذاردن عالی‌نسب در سال‌های پس از ۱۳۶۸، وی حضور پررنگ‌تری در کارخانه‌های خود داشت و نقش بیشتری در مدیریت آنها بر عهده گرفت. علاوه بر این وی زمان بیشتری برای تمرکز و پیگیری امور خیریه به دست آورد. در این دوره، عالی‌نسب بر اساس تحلیلی که از اثرگذاری آموزش بویژه در روستاها داشت، اهتمام قابل توجهی بر مدرسه‌سازی روستایی داشت. به تعبیری که از وی نقل شده، وی این دوره را «بازگشت به خرده‌فروشی» می‌خواند و آنچه در سال‌های پیش از آن در سطح کلان انجام می‌داد را امور خیریه کلان می‌دانست و فعالیت‌های خیریه در سطح روستاها و خانواده‌های نیازمند را کار خیر در سطح خرد قلمداد می‌کرد. نکته پندآموز آن است که به‌رغم باور عمیق و اهتمام شدیدی وی به پیگیری فعالیت‌های خیریه در سطح خرد یا آنچه خرده‌فروشی می‌نامید اما این قبیل فعالیت‌ها را تنها مرهم و



مُسکن دانسته و آنها را فاقد راهگشایی فراگیر ارزیابی می‌کرده است. با این همه بر آن بود که «چون نمی‌توان آرام بود و بیشتر از این مقدور نیست» پس فعالیت‌های خیریه خود را با وسواس ادامه می‌داد. (از کتاب میرنمایر، زندگی وزمانه میرمصطفی عالی‌نسب)

عالی‌نسب با همه شهرت و توانمندی که در تجارت پیدا کرده بود، وارد مرحله تازه‌ای از زندگی خود شد. او با تغییر مسیر فعالیت‌های اقتصادی‌اش، دوره‌ای تازه برای اقتصاد ایران را نیز آغاز کرد. روزی در راه رفتن به مراغه با جمعیت فراوانی از افراد بیکار مواجه می‌شود و این موضوع ذهنش را متغول می‌دارد. تطور عالی‌نسب از تجارت به صنعت متاثر از همین دوران است. او که با تجربه مطالعات سیستمی و منظم اقتصادی به فعالیت می‌پرداخت، از این علم برای صنعت و تولید بهره گرفت. اعتقادات و رویکردهای دینی و ملی باعث شد عالی‌نسب تصمیم تازه‌ای بگیرد. عالی‌نسب به این نتیجه رسید که کمک به استمرار یک رابطه یکسویه با کشورهای پیشرفته و تبدیل شدن به یک واردکننده صرف، نه تنها با اصول اقتصاد اسلامی و اقتضائات



و تبدیل سماور زغالی به سماور نفتی و تولید انبوه این محصولات عالی‌نسب در این دوره است.

در نتیجه ارتباط مستمر با نهضت مقاومت ملی، آیت‌الله طالقانی از او می‌خواهد در صنعت کارتن‌سازی که در انحصار یک فرد اسرائیلی است ورود کند. عالی‌نسب در ابتدا مخالفت می‌کند اما در نهایت قانع می‌شود که در این عرصه ورود کند: «به آنها توضیح دادم که در این چند ساله به یک مدیر صنعتی تمام‌عیار تبدیل شده‌ام که ۵ اختراع به نام خود ثبت کرده و کاملاً بر مسائل فنی و مدیریتی رشته خود احاطه دارد و حداقل ۳ اختراع جدید را نیز در دستور کار دارد، بنابراین وارد شدن در یک رشته فعالیت جدید به معنای توقف آن تلاش‌ها و آغاز تلاش برای کسب مهارت و تخصص در یک رشته فعالیت به کلی متفاوت است که موجب

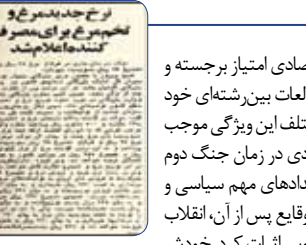


هوابیامی جنگی روی کارخانه، آبان‌ماه سال ۵۱ دچار آتش‌سوزی و تعطیل شد

در پی فعالیت‌های گذشته و بنا بر ارتباط‌هایی که عالی‌نسب با نیروهای انقلاب داشت و در پی بروز مشکلات سخت و متعدد در کارخانجات کشور پس از انقلاب، (اواخر سال ۵۷ و اوایل ۵۸) به دستور نخست‌وزیر دولت موقت (مهندس بازرگان) شورایی به نام شورای حفاظت از صنایع در اوایل فروردین ۵۸ تشکیل شد. این شورا ۷ عضو داشت که شامل یکی از معاونان وزارت صنایع، یک نماینده از وزارت کار، ۲ نماینده از وزارت صنایع و عالی‌نسب بود. این شورا موظف بود به امور کارخانجات رسیدگی کند، چرا که در آن شرایط و با از بین رفتن نظم متعارف جامعه، مسابقاتی شدید میان کارگران شکل گرفته بود تا امتیازات بیشتری از کارفرما بگیرند. این امر تبدیل به یک مشکل بزرگ در اوان استقرار جمهوری اسلامی شده بود. این امر سبب شده بود جلسات شورای حفاظت از صنایع تقریباً هر روز تشکیل شود و تقریباً مثل یک ستاد جنگ عمل می‌کرد. عالی‌نسب به عنوان فردی صنعتگر، مدیر و مورد علاقه همه در این شورا فعالیت می‌کرده است. (اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی، عزت‌الله سبحانی)



قدرت تحلیل و پیش‌بینی مسائل اقتصادی امتیاز برجسته و مهمی بود که میرمصطفی عالی‌نسب با مطالعات بین‌رشته‌ای خود به دست آورده بود. بارها در مقاطع زمانی مختلف این ویژگی موجب شگفتی اطرافیان شد. تحلیل شرایط اقتصادی در زمان جنگ دوم جهانی و سال‌های پس از آن و هنگام رخدادهای مهم سیاسی و اقتصادی در ایران نظیر کودتای ۲۸ مرداد و وقایع پس از آن، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، این موضوع را بخوبی اثبات کرد. خودش گفته است تحلیلگری در زمان جنگ دوم جهانی موجب شد انگیزه بیشتری در مطالعات اقتصادی پیدا کند تا امکان درک بهتری از مسائل اقتصادی ایران برایش فراهم شود: «هنگامی که جنگ دوم شروع شد به روشنی ملاحظه می‌کردم چگونه به‌قاعده منطق‌های رفتاری تبیین شده در قلمرو علم اقتصاد شرایط جنگی



راهردهای اقتصادی دولت وقت به عنوان اصلی‌ترین دلیل توفیق آن روزها یاد می‌شود. نرخ تورم ۷ درصدی در سال ۶۴ که همچنان رکوردی دست‌نیافتنی برای دولت‌های پس از انقلاب محسوب می‌شود، نشانه ویژه‌ای از مدیریت اقتصادی در آن روزهای دشوار جنگ است که نقش عالی‌نسب در آن غیرقابل انکار است.

دولت در اقتصاد و ... دارد. عالی‌نسب با نگرش عمیقی که به مسائل اقتصادی داشتند با این مباحث موافق نبودند و طبیعی بود که ایشان به عنوان کسی که تأثیر عملی بر امور داشته باشد، به کار گرفته نشود». عالی‌نسب ابراز کرده: «اگر بدانم که مؤثر واقع خواهد شد، حاضرم خود را با نام ساختمان ریاست جمهوری به پایین پرتاب کنم تا آقایان حداقل به صحبت‌های ما گوش کنند» (گفت‌وگو با دکتر حسین نمازی و دکتر فرشاد مؤمنی)



با اتمام جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی، عالی‌نسب از گردونه تصمیم‌گیری کنار گذاشته شد و از او نه تنها در مصادر تصمیم‌گیری، بلکه در مصادر تصمیم‌سازی نیز استفاده نشد. چرایی این مطلب را دکتر نمازی - وزیر اقتصاد و دارایی دولت موسوی - چنین توضیح می‌دهد: «دولت آقای هاشمی با هدف پیاده کردن سیاست‌های تعدیل اقتصادی روی کار آمد و همان‌طور که می‌دانید این سیاست‌ها جهت‌گیری‌های خاصی دربردار از، صادرات، یارانه‌ها، مداخله